

تجارت الاولی

www.ketab.ir

ترجمه‌ی کتاب المعیشه

از فروع الکافی؛ اثر محمد بن یعقوب کلینی رازی

به کوشش: رضا مصطفوی

به کوشش، رضا مصطفوی

انتشارات: عهد مانا

شابک: ۹-۵۷-۷۵۷۴-۶۲۲-۹۷۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: یکم. زمستان ۱۴۰۱

۷۱۵۰۳

www.ketab.ir

سرشناسه: مصطفوی، رضا، ۱۳۵۲ - | عنوان قراردادی: الکافی، فروع، فارسی، برگزیده

عنوان و نام پدیدآور: راه و رسم تجارت / به کوشش رضا مصطفوی.

مشخصات نشر: تهران، عهد مانا، ۱۴۰۱. | مشخصات ظاهری: [۲۹۶] ص.

شابک: ۹-۵۷-۷۵۷۴-۶۲۲-۹۷۸ | وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر از کتاب فروع کافی برگزیده و ترجمه شده است.

موضوع: کلیتی، محمدبن یعقوب - ۳۲۹ق. . الکافی، فروع -- نقد و تفسیر

موضوع، احادیث شیعه -- قرن ۴ق. | Hadith (Shiites) -- Texts -- 10th century

رزق و روزی -- احادیث | Divine sustenance (Islam) -- Hadiths

حلال و حرام -- احادیث | Forbiddance and permission -- Hadiths*

بازرگانی -- جنبه های مذهبی -- اسلام | Commerce -- Religious aspects -- Islam

شناسه افزوده: کلیتی، محمدبن یعقوب - ۳۲۹ق. . الکافی، فروع، فارسی، برگزیده

رده بندی کنگره: BP1۲۹ | رده بندی دیویی: ۲۱۲/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۶۶۷۶۲ | اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



فهرست

مقدمه ● ۱۵

۱. گفت‌وگوی صوفیان دنیاگریز با امام صادق (ع) ● ۲۱
۲. زهد یعنی چه؟ ● ۲۹
۳. بهره‌گیری از دنیا برای آخرت ● ۲۹
۴. الگو گرفتن از امامان (ع) در طلب رزق و روزی ● ۳۱
۵. تشویق به رفتن دنبال رزق و روزی ● ۳۶
۶. کم‌ترین اندازه‌ی کار برای به‌دست آوردن رزق و روزی ● ۳۸
۷. حدّ نهایی کسب رزق و روزی ● ۳۹
۸. رسیدن رزق و روزی از جایی که حسابش نمی‌کنید ● ۴۲
۹. خوابیدن و بی‌کاری ● ۴۳
۱۰. کسالت و تبلی ● ۴۴
۱۱. کار کردن مرد در خانه ● ۴۵
۱۲. برنامه‌ریزی برای کار و زندگی ● ۴۵
۱۳. تلاش برای خانواده ● ۴۶
۱۴. به‌دست آوردن روزی حلال ● ۴۷
۱۵. اولویت به‌دست آوردن خوراک ● ۴۸
۱۶. کراهت اجیر شدن ● ۴۸
۱۷. انجام کارها با دست خود ● ۴۹
۱۸. خرید و فروش باغ و بوستان ● ۵۰
۱۹. قرض و بدهی ● ۵۱

۲۰. پرداخت بدهی ● ۵۴
۲۱. قصاص در طلبکاری ● ۵۸
۲۲. سررسید بدهی بعد از مرگ ● ۵۸
۲۳. قرض گرفتن به قصد پس ندادن ● ۵۹
۲۴. فروش قرض به قرض ● ۵۹
۲۵. آداب پرداخت بدهی ● ۶۰
۲۶. خودداری از پس دادن بدهی ● ۶۱
۲۷. میهمان شدن نزد طلبکار ● ۶۲
۲۸. هدیه دادن به طلبکار ● ۶۲
۲۹. کفالت و حواله دادن ● ۶۳
۳۰. کار برای سلطان؛ گرفتن جایزه و پاداش از او ● ۶۵
۳۱. شرط امانت برای کار در دستگاه حکومت ● ۷۲
۳۲. فروش سلاح به دشمنان ● ۷۵
۳۳. شغل و کارآموزی ● ۷۶
۳۴. مزد حجامت‌گری ● ۷۹
۳۵. اجرت نوحه‌گران ● ۸۰
۳۶. مزد آرایشگری ● ۸۲
۳۷. مزد آوازخوان ● ۸۳
۳۸. مزد آموزگار ● ۸۵
۳۹. فروش قرآن ● ۸۵
۴۰. درآمد قمار و مسابقه ● ۸۶
۴۱. کسب و کارهای حرام ● ۸۸
۴۲. مال‌های حرام ● ۹۱
۴۳. مال یتیم ● ۹۲
۴۴. مال یتیم که برای سرپرستش حلال است ● ۹۴

۴۵. کسب و کار با مال یتیم: قرض گرفتن از یتیم ۹۶

۴۶. امانت داری ۹۸

۴۷. برداشت از مال پسر یا پدر ۱۰۱

۴۸. برداشت زن و شوهر از مال یکدیگر ۱۰۳

۴۹. گم شدگان و پیدا شدگان ۱۰۴

۵۰. هدیه ۱۰۹

۵۱. ربا ۱۱۲

۵۲. ربا بین پدر و پسر ۱۱۵

۵۳. فضیلت تجارت ۱۱۶

۵۴. آداب تجارت ۱۱۸

۵۵. حسابداری و نوشتن ۱۲۳

۵۶. شتاب به سوی بازار ۱۲۳

۵۷. یاد خدا در بازار ۱۲۳

۵۸. دعا هنگام خرید جنس برای تجارت ۱۲۵

۵۹. کسی که معامله و رفت و آمد با او خوب نیست ۱۲۷

۶۰. فروش به اندازه: کم فروشی ۱۲۸

۶۱. غش و خیانت در معامله ۱۲۹

۶۲. سوگند در معامله ۱۳۰

۶۳. نرخ گذاری ۱۳۱

۶۴. احتکار ۱۳۳

۶۵. نکته ها ۱۳۴

۶۶. فضیلت خرید گندم و آرد ۱۳۵

۶۷. ناپسندی خرید تخمینی: فضیلت وزن کردن ۱۳۶

۶۸. معاملات سود آور ۱۳۷

۶۹. استقبال فروشنده ۱۳۷



مقدمه

انسان تا هنگامی که تنهاست، نیازی به قواعد و قوانین ندارد، اما وقتی پای بشری دیگر به جزیره‌ی تنهایی او می‌رسد، سرنوشت او با سرنوشت دیگران گره می‌خورد. در تعاملات با دیگران، دچار تعارض می‌شود و برای حل این تعارضات، نیازمند تعاون و هم‌یاری است. او می‌داند که تنها با همکاری می‌تواند با صرف تلاش کم‌تر، آسایش بیش‌تری کسب کند. دقیقاً از همین نقطه‌ی «ما» شدن است که قانون و حقوق و اخلاق و فرهنگ، بسته می‌شود؛ یعنی احکام و آثار زندگی مابعدالاجتماع.

بشر بنا بر هدایت تکوینی و طبیعی، چرخه‌ی «تعارض و تعاون» را به حرکت درمی‌آورد و در این میان برای حفظ تعادل، به برقراری عقود، عهدنامه‌ها، میثاق‌ها و پیمان‌ها دست می‌زند؛ اما هیچ چیز مانا و پایایی در این زمینه ندارد. بشر لنگان‌گونه راه خود را در زندگی باز می‌کند، اما قسط و عدالت مانا و پایایی در کار نیست.

در این جامعه‌ی انسانی، تعادل، و نه عدالت، بر اساس نیازهای اجتناب‌ناپذیر و منافع‌الزام‌آور پی‌ریزی می‌شود و ساختارها و سازوکارهای زندگی اجتماعی تولد می‌یابد.

دین در کارکرد اجتماعی خود، بر آن است تا تعاون، تعامل و تجارت را پایدار و ماندگار سازد و تعارض را تا جایی که اقتضای ظرفیت و قابلیت دنیا است، کاهش دهد. پیوست این چشم‌انداز کلان دین، ریزسوابط و خرده‌قوانینی است که در عمل تا اعماق اقتصاد مردم، ریشه دوانده و روابط مالی و تجاری آنان را تنظیم می‌کند.

در قرآن و روایات، احکام مکاسب و قواعد تجارت و آداب معاملات،

به‌گونه‌ی جدی مورد توجه و حتی تمرکز قرار گرفته و معطوف به اخلاق شده است.

دین، با تأکید بر وفای به عقود و عهدها، و با قانون‌مند و ضابطه‌مند کردن این عهدها و تصمیم‌ها، چارچوب‌هایی کلی برای معاملات پیروانش طراحی کرده است. این چارچوب، مبتنی بر ضرر نرساندن به دیگران و سودرسانی به انسان‌ها شکل گرفته است. بر این پایه، مفاهمی چون قرض‌الحسنه، تأکید بر ربوی نبودن معاملات، پرهیز از کم‌فروشی، نوشتن و شاهد گرفتن بر معاملات و دیون مورد توجه قرآن قرار گرفته است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بسیاری از مفاد آیین‌نامه‌ی اجرایی این مفاهیم و توصیه‌های کلی را به امر ولایت امامان علیهم‌السلام سپرد. این احکام آن چنان مورد توجه شارع مقدس بوده است که امیرمؤمنان علیه‌السلام در همان دوران کوتاه حاکمیت خویش، هرگونه تجارتي را منوط به دانستن احکام فقهی آن می‌کرده‌اند و بازاریان را تأکید می‌کردند که نخست فقه بیاموزید و آن‌گاه در تجارت‌خانه بنشینید.

امامان اهل بیت علیهم‌السلام پس از امیرمؤمنان علی علیه‌السلام هیچ‌گاه در جایگاه قانون‌گذاری و تشریح احکام اجتماعی نبوده‌اند، اما بنا به دانش بی‌کران‌شان و شناخت هرچند اندک مردمان زمانه‌ی خویش از آنان، مرجع پرسش‌ها و حل اختلافات اجتماعی بوده‌اند. این مراجعات، تا آن اندازه گسترده بود که حجم بالایی از احادیث نقل شده از آن بزرگواران، احادیث فقهی است. اکثریت این احادیث، پاسخ آن بزرگواران در پرسش درماندگان، از طیف‌ها و نحله‌های گوناگون بوده است.

ضرورت اصل وحدت رویه در امور تجاری و نیز در چگونگی معاملات، امری است که لزوم آن بر کسی پوشیده نیست. آن‌چه از روایات در حوزه‌ی مالی و تجاری در دست است، اصول کلی است که اگر تفریع و بررسی

شود، برای اداری امور تجاری بین مسلمانان با مسلمانان و نیز با نامسلمانان، کفایت می‌کند. این احکام و قوانین، آن‌چنان منصفانه و عادلانه تبیین می‌شوند که در همان عصر امامان علیهم‌السلام دو طرف پرسش یا دعوا، هیچ‌کدام ناراضی از محکمه بیرون نمی‌روند.

بخش مکاسب از کتاب‌های حدیثی ما، به معاملات و روش معاملات مسلمانان با دیگران می‌پردازد. این بخش از احادیث، مرزهای معاملات اجتماعی و اقتصادی را روشن کرده و بی‌زمان و بی‌مکان می‌توان تمام فرازها و توصیه‌های آن را به‌کار گرفت. زیست انسانی و مهربانانه، معاملات محکم و سفت‌پایه که مانع اختلافات آینده و رنجش‌های فزاینده باشد، جامعه‌ای امن‌تر و آرام‌تر را برای ساکنانش رقم می‌زند.

در گفتمان دینی و قرآنی، نان حلال، موضوعیت خاصی دارد و کسب نان حلال، هدفی جدی است که با هر وسیله‌ای نمی‌توان به آن دست یافت. رسیدن به نان حلال، تنها از مسیر اصلی آن امکان پذیر است و نمی‌توان با استفاده از شرایط اضطرار مردم، سود دولاپهنا از آنان گرفت و نامش را نان حلال نامید.

بر پایه‌ی گزارش‌های به‌دست رسیده، تمام انبیا و اوصیای الهی علیهم‌السلام برای گذران زندگی مادی خود، از تجارت، تولید و دست‌رنج خویش خورده‌اند و طبق تأکید قرآن، برای امر ارشاد و هدایت، مزدی از مردم نخواستند. اساساً بنا بر گزارش قرآن، آدم و همسرش علیهم‌السلام پس از هبوط باید معاش خود را با تلاش زمینی مهیا کنند. دیگر از بهشتی که در آن مهمان و متنعم بودند، رانده شده و آن‌ها و ذریه‌ی آن‌ها باید با آب و خاک و باد و آتش، کشاورزی، دامداری، خانه‌سازی و کشتی‌رانی و... لوازم و نیازهای زندگی را تأمین کنند. حالا دیگر دنیا و زمین، مزرعه‌ی آخرت شده است!

البته نه با دعا و نماز و روزه. پیش‌نیاز انجام این امور، غذا و مسکن و لباس و امور معیشتی دنیاست.

پیامبران الهی، باید برای انجام نبوت و رسالت، هم پیش از دریافت مأموریت الهی و هم پس از آن، همان‌گونه برای نیازهای مشترک بشری تلاش و معاش می‌کردند که بقیه‌ی مردمان تلاش می‌کردند؛ آن‌هم تلاش و تولید و تجارتي که پایه‌ی انجام مأموریت و مایه‌ی توانایی نماز و روزه و تلاش و جهاد باشد. این تلاش برای امرار معاش، تا آن‌جاست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: عبادت ده جزء است و نه جزء آن در کسب نان حلال است. یا در روایاتی دیگر تأکید شده است که نه جزء روزی در کسب و تجارت است. با این نگاه، احکام و قوانین اقتصادی، مالی، تجاری، جایگاه‌ها در پهنای و ژرفای آفرینش می‌یابد.

تجارت

در میان منابع به‌دست‌رسیده از امامان اهل بیت علیهم‌السلام کتاب کافی، به همت محمد بن یعقوب کلینی، از کتاب‌های اصلی و اصیل شیعه است. مؤلف که خود در عصری نزدیک به عصر امامان علیهم‌السلام می‌زیسته، معتبرترین احادیث نقل‌شده تا آن‌روز را در مجموعه‌ی خود گردآورده است. این احادیث امروزه گنجینه‌ی ارزشمندی از معارف اسلامی است که می‌تواند انسان را در عصر غیبت و خلاء حضور فیزیکی امام در جامعه، هدایت کند.

این کتاب که تنها بخش مکاسب از احادیث «فروع کافی» است، مجموعه‌ای از احادیثی است که دانستن آن برای هر کسی که در جامعه دادوستد می‌کند ضروری است.

مخاطبان این احادیث، از نظر فرقه و نحله، تفاوت‌های بسیاری با هم

داشته‌اند. امامان علیهم‌السلام در پاسخ به پرسش آنان، بنای مستحکم دین را متناسب با عرف آن جامعه، به آنان عرضه داشته‌اند. برخی از احادیث نیز تبیین رفتار یا گفتاری از امام علیه‌السلام است که در این زمینه باید دانست امام با آن گفتار یا رفتار خود، درصدد ارائه‌ای از آموزه‌های دینی برای حاضران و آیندگان است.

اما باید دانست و دریافت که آن چه با عنوان حدیث به دست ما امروزیان رسیده است، داشته‌های ارزشمندی است که از دالان‌های تاریک تاریخ عبور کرده و به ما رسیده است. دانشمندانی که با تدوین این کتاب‌های حدیثی، این آثار را به ما رسانده‌اند، خود در مرحله‌ی نخستین و نزدیک به تاریخ صدور حدیث، آن را از فیلترهای ظن و گمان و فریب و تدلیس عبور داده‌اند و چیزی را به ما رسانده‌اند که خود به آن یقین داشته‌اند.

طرد و رد این‌گونه احادیث از این کتاب‌های معتبر، ستمی است که نه بر تلاش عالمان شیعه، بلکه ستمی است که بر خویشتن روا می‌داریم و خود را از دانش در آشکار و پنهان آن محروم می‌کنیم. چه این‌که اگر حدیثی را نمی‌فهمیم، یا با منطق و عقل دگر دین شده‌ی امروزمان هماهنگ نیست، به معنای بطلان آن حدیث نخواهد بود؛ چراکه اهل بیت علیهم‌السلام مطابق با زبان و عرف زمانه سخن گفته‌اند و باید برای فهم حدیث، آن زبان را به زبان و عرف این زمانه تبدیل کرد. این تبدیل نیاز به مبدل‌های فهم تاریخی دارد، که جای آن در این کوتاه‌سخن نیست. در پایان این مقدمه، تنها این سخن از مولای متقیان را یادآور می‌شوم که فرمود:

هنگامی‌که از ما حدیثی که نمی‌شناسید شنیدید، به سوی ما رد کنید و بازایستید و تسلیم باشید تا این‌که حق برایتان آشکار گردد...^۱